

به گزارش خبرنگار مهر، در ادامه سلسله نشست‌هایی که دبیرخانه طرح اعتلای علوم انسانی به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی برگزار می‌کند عصر روز گذشته نشست «آینده پژوهی علوم انسانی در ایران» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. سخنران این نشست مقصود فراستخواه بود.

وی در ابتدا تعریفی از آینده پژوهی ارائه داد و گفت: آینده پژوهی سامانه‌ای از سعی عالمانه برای بررسی روشمند از حوزه‌های آینده از طریق پلتفرمی برای گفتگو و جستجوی رضایت بخش شبکه ذی نفعان است. به بیان دیگر آینده پژوهی یک فرهنگ و فرآیند است نه یک طرح اثبات گرایانه. یعنی آینده پژوهی یک پروژه نیست که یک بار آن را انجام دهیم و به نتیجه برسیم. آینده پژوهی نوعی تنش و ترس و لرز نسبت به آینده است.

عضو هیئت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی تصریح کرد: تغییر در مدل‌های ذهنی، مواجهه با تغییرات پرشتاب، چابکی و مصونیت از غافلگیر شدن، درک آینده‌های بی‌بدیل و سهمی شدن در ساخت آینده از جمله دستاوردهای آینده پژوهی است. ما با آینده پژوهی سعی می‌کنیم که به آینده مبهم پرتاب نشویم. امروز نیهیلیسم ما را تهدید می‌کند و همه دچار نوعی پوچ‌گرایی شده‌ایم. پوچ‌گرایی که هم از آن داعش و هم ترامپ در می‌آید. در مقابل این پوچ‌گرایی، ما باید یک امید معرفتی داشته باشیم.

وی در ادامه به گونه‌شناسی رویکردها با اقتباس از نظریات سهیل عنایت‌الله (آینده پژوه پاکستانی) پرداخت و افزود: سه منظر عمده در آینده پژوهی وجود دارد؛ توضیح و توصیف آینده، صحبت کردن درباره آینده مطلوب و ساختن آینده به لطف تخیل. همچنین سه رویکرد می‌توانیم به آینده داشته باشیم. ضعیف‌ترین رویکرد آن است که آینده را در ادامه گذشته بدانیم و منتظرش بمانیم. رویکرد بعدی اینکه با برنامه ریزی و برنامه‌های راهبردی، حال را به سمت آینده هل بدهیم. این جمله که گذشته چراغ راه آینده است، جمله درستی نیست و آینده ربطی به گذشته ندارد. متأسفانه در ایران بیشتر اینگونه فکر می‌شود. رویکرد سوم هم این که کمندی به گردن آینده بیندازیم و آن را بکشیم. در این رویکرد می‌خواهیم آینده را خلق و توصیف کنیم. آینده پژوهی، جادو جنبل نیست و نمی‌توان آن را دور زد.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی تصریح کرد: علاوه بر سه رویکردی که به آن اشاره کردم عنایت‌الله رویکرد چهارمی را هم مطرح کرد که براساس آن ما باید عمق آینده را بفهمیم. او فهم آینده را به اندیشیدن در چهار سطح ماکول کرده است. سطح اول، سطح سیاهه و طرح صورت مسئله، سطح دوم سطح سیستمی نظام‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی سطح سوم، سطح جهان بینی‌ها، فرهنگ‌ها و پارادایم‌ها و سطح چهارم، سطح اسطوره‌ها و استعاره در لایه‌های زیرین ناخودآگاه اجتماعی است.

این جامعه‌شناس ایرانی در ادامه با توجه به چهار سطح اشاره شده به توضیح وضعیت پدید آمدن علوم انسانی در ایران پرداخت.

فراستخواه اضافه کرد: بنده در جلسه‌ای که اخیراً در حضور رئیس جمهور داشتیم مطرح کردم که دانش اجتماعی در ایران معطل است و برای سیاست‌گذاری‌ها به این دانش توجهی نمی‌شود البته در آن جلسه نوعی شکاف

ادراکی بین من و همکارانم با رئیس جمهور وجود داشت چون ما درک خودمان را از مسئله داشتیم و ایشان هم درک خودش را.

وی در ادامه سخنان خود به تعریف علوم انسانی پرداخت و توضیح داد: علوم انسانی، معرفت‌های جدیدی است که به جای معرفت سنتی در امور زندگی انسان جدی تلقی می‌شود. به بیان دیگر در علوم انسانی مفاهیم و احکامی صادر می‌شود که جدی تلقی می‌شود یعنی علوم انسانی یک کنش کلامی جدی یا به عبارت دیگر دانش نوینی است که خصیصه‌های هنجاری دارد.

نویسنده کتاب «ما ایرانیان» اظهار داشت: در ایران بعد از اینکه علوم انسانی جدید مشروعیت معرفت‌شناختی و روش‌شناختی پیدا کرد به نوعی منشأ قدرت شد و علوم انسانی که جدی شده بود دولت زده شد. نخبه‌گرا ماند، برج عاجی شد، ایدئولوژی زده، چپ زده و سیاست زده شد و فرماسیون قدرت که در پس پشت علوم انسانی بود مختل و مخدوش و دستگاه «خود و دیگری سازی» تازه ای فعال شد.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در نتیجه‌گیری بحث خود به دو تایی‌های کلیدی آینده علوم انسانی جدید پرداخت و تصریح کرد: آینده علوم انسانی را باید از بین دو تایی‌هایی که مطرح می‌کنم پی‌جویی کرد. سوژه‌های سرکش، سوژه‌های سربه‌زیر / سوژه‌های سرشار، سوژه‌های فرتوت / جمعیت شدن سوژه‌ها، متمیزه ماندن سوژه‌ها / قلمرو زایی سوژه‌ها، قلمرو زدایی سوژه‌ها / خودکنترلی هنجارین و اداره‌پذیری سوژه‌ها، ضعف هنجاری و هرج و مرج سوژه‌ها /

وی در پایان خاطر نشان کرد: آینده علوم انسانی موقوف به زیست‌سیاست، زیست‌قدرت و زیست‌دانش در ایران است. متأسفانه ما امروز مشکلاتی داریم که وقتی مشکلات حل نشود علوم انسانی نحیف خواهد ماند. علوم انسانی موجود امروز معطوف به زندگی نیست. حتی اینترنت هم نتوانسته ما را با علم محشور کند. علم جدید به ویژه علوم انسانی در ایران مسیر همواری ندارد و نیاز به کنش‌های خلاق بیشتری از سوی عاملان اجتماعی دارد. در بحث دیگری می‌گویم که چطور این اتفاق افتاده و زندگی در غیاب علوم انسانی پیش می‌رود.

<https://www.mehrnews.com/news/4443653/%D8%A7%D8%B0%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D8%A2%DB%8C%D9%86%D8%AF%D9%87-%D9%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%BA%DB%8C%D8%A7%D8%A8-%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C>